

همزمان با درخواست «هادی العامری» برای تغییر نظام پارلمانی عراق مطرح شد

تحولات عراق حول عبدالمهدی

صفحه ۷

یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸ | ۵ ربیع الاول ۱۴۴۱ | ۳ نوامبر ۲۰۱۹ | سال یازدهم | شماره ۲۷۸۲ | ۸ صفحه | ۱۰۰ اتوماس

تیتترهای امروز

«وطن امروز» از توقف مجدد عرضه نفت در بورس گزارش می‌دهد

وزارت نفت فراری از بورس

■ در صورت شکست بورس نفت به عنوان یک راهکار ضد تحریمی، دیگر آمیدی به همکاری بخش خصوصی برای فروش نفت نیست

صفحه ۳

«وطن امروز» از مشکل آبرگفتگی در تهران و انفعال شهرداری پایتخت در زمان بارش‌ها گزارش می‌دهد

عذرخواهی به جای کار!

■ سخنگوی سازمان آتش‌نشانی در گفت‌وگو با «وطن امروز»: مردم به کمک شهرداری بیایند

صفحه ۴

کمپانی‌های اینترنتی چگونه در حال تغییر ماهیت سینما و چرخه اکرانند؟

نتفلیکس در جنگ ستارگان

صفحه ۸

چگونه استقلال در تبریز همه را میبوت کرد؟

مزد شجاعت



صفحه ۶

نکته

«زم»‌ها محصول چه کسانی هستند؟

| میکائیل دبائی |

در ایامی که «وطن امروز» به دلیل مشکلات مالی تعطیل بود اتفاقات زیادی افتاد که هر کدام می‌توانست «تیتر یک» روزنامه باشد؛ کولاک شیربچه‌های یمنی در برابر سعودی‌ها، دادگاه‌های اقتصادی و فرآیند پرشتاب فسادستیزی، اجتماع لشکر ۲۰ میلیونی ولی‌الله الاعظم در بین‌الحریمین حسینی؛ ولی در این بین یک خبر بود که هم خوش‌حال‌کننده بود و هم نشان از سرفرازی سربازان همیشه گمنام امام زمان داشت: «روح‌الله زم» مدیر کانال «آمدنیوز» که دستش در برخی ناآهنی‌های سال‌های اخیر از جمله اغتشاشات ۹۶ و حادثه‌های تروریستی تهران و اهواز و... از آستین بیرون است و تحت‌الحفظ سرویس‌های جاسوسی اروپایی از جمله فرانسه بود، دستگیر شد. خبری که به سرعت تیتیر یک رسانه‌های داخلی و خارجی شد و هراسی در بین بخش وسیعی از ضدانقلاب به وجود آورد. زم دستگیر شد و آمدنیوز پایین کشیده شد؛ آیا همه مسائل حل شد؟ مسأله این یادداشت دقیقاً از این سوال شروع می‌شود. از اینکه زم چگونه زم شد و آمدنیوز چطور مرجع برخی افراد؟ و از چه مسیری آمدنیوزهای دیگری پدید می‌آید؟! جواب این سوال را باید بیرون از محیط ضدانقلاب جست! کما اینکه پیش از روی کارآمدن روحانی و دولت تدبیر و امید میدان‌داری آنها در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تا این حد نبود!

دولت روحانی با شعار «چرخیدن چرخ ساتنرفیوژها و چرخ اقتصاد مردم» روی کار آمد اما نه چرخ اقتصاد چرخید و نه چرخ ساتنرفیوژها؛ طولانی‌ترین دوران رکود اقتصادی در کنار سقوط ارزش پول ملی و بالاترین نرخ بیکاری محصول دولت روحانی برای جامعه ایران بود تا تشویش و ناآرامی روانی در جامعه تثبیت شود و محمل برای جریان‌سازی شایعه‌پراکنان فراهم باشد.

این وضعیت جامعه را می‌توان در ارزیابی‌های درونی دولت محترم نیز جست‌وجو کرد. مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری، گزارشی تحت عنوان «اینده‌پژوهی ایران ۹۶» منتشر کرده است. در این پژوهش به مباحثی مانند ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصاد، بحران تامین آب، بیکاری، فساد سیستمی، ناامیدی درباره آینده، سرمایه اجتماعی و بحران ریزگردها پرداخته شده است. در صفحه ۷۵ این پژوهش درباره ناامیدی مردم ایران به آینده آمده است: «آمیدی نسبت به آینده، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد فشار روانی بر توده مردم است.

ادامه در صفحه ۶



دونالد ترامپ:

اوباما خلافت داعش را ساخت

صفحه ۶

| ۱۸۰ سال و ۳ روز گذشت |

پرونده ویژه «وطن امروز»

شبکه گسترده همکاران داخلی آمدنیوز و نیمه پنهان پروژه ناامن‌سازی کشور چه کسانی هستند؟

زخم بازها!

سرسشکر سلامی: شبکه عنکبوتی آمدنیوز فروپاشیده است و جزئیات آن به اطلاع مردم خواهد رسید

■ **رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز»:** در برخی دستگاه‌ها با آمدنیوز ارتباط داشتند

■ **بررسی تأثیر یکسویگی تلگرام در پیدایش آمدنیوز و ضرورت ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه**

صفحه ۲

راه چاره بحران عراق چیست؟

| مصیب نعیمی |

عراق را مرتفع کند. بر این اساس مردم عراق خود را در برخورداری از وضعیتی بهتر از آنچه در حال حاضر دچار هستند محق می‌دانند.

از طرفی با شدت گرفتن ناراضیانی‌های مردمی، برخی گروه‌ها و جریان‌های خارج از عراق که منافع خود را در تضاد با شرایط حاکم ارزیابی می‌کنند، به دنبال تشدید تظاهرات و ناکارآمد جلوه دادن دولت و نظام سیاسی عراق هستند. رصد رسانه‌های کشورهای حاشیه جنوب خلیج‌فارس این واقعیت را آشکار می‌کند که حکام این مناطق با جدیت به دنبال تغییر نظام سیاسی جمهوری در کشورهای عربی مثل عراق و لبنان هستند.

به عبارت دیگر آنها در بی انتشار این گزاره هستند که کشورهای عربی در سیستم سیاسی جمهوری، درگیر اغتشاش، فساد و ناکارآمدی خواهند بود. در کنار این کشورها، برخی گروه‌های

ما و غم‌های غرب آسیا

| سمیرا کریمشاهی |

خالی از دخالت بیگانگان در محتواسازی نبوده، تضعیف قدرت دولت مرکزی بیرون می‌آید. در این شرایط شاید تنها عنصر زمان و رشد مقوله هویت ملی در طول آن بتواند اینن تولد نارس را جبران کند.

همین مطالبات بحق مردم عراق و لبنان و اعتراضات میدانی با وجود اینکه بستر فعال‌سازی توطئه‌های مثلث مذکور شده، نوید رشد در طول زمان را می‌دهد که مردم به جای ارجاع مسأله خود در دایره طایفه‌محوری، حس مشترک هم‌سرنوشتی را پررنگ کرده و حرف خود را ذیل پرچم عراق و لبنان بیان کنند.

امسا نگرانی از تبدیل شدن یک اعتراض مدنی به بحران امنیتی همچنان باقی است. در محل تجمعات مردمی مواد غذایی به صورت فراوان و متنوع پخش می‌شود، افرادی به میان مردم می‌آیند و به صورتی که عادی جلوه کند سعی در جهت‌دهی و رهبری دسته‌ای از معترضان را دارند که هیچ کدام از اینها بویی از حرکت خودجوش که غوغا کرده و غرب‌گرایان منطقه‌ای آگاهانه یا از سر غفلت دستان انتقال چنین غنیمتی شده‌اند و شریک جرم جنایاتی که خاورمیانه در دل خود شاهدش بوده است.

عقب‌نشینی گروه‌های معترض از موضوع استعفا‌ی

نخست‌وزیر را به همراه داشت.

در آخرین موضع‌گیری‌ها در این باره می‌توان به اظهار نظر «یاد علاوی»، رئیس ائتلاف «الوطنیه» عراق اشاره کرد که در آن استعفا‌ی نخست‌وزیر را راه‌حل بحران ندانسته است. ضمن اینکه جریان صدر نیز که تا پیش از این برکناری عادل عبدالمهدی را به عنوان اصلی‌ترین خواسته خود مطرح کرده بود، از این موضع عقب‌نشینی کرده و به نظر می‌رسد به این درک از واقعیت رسیده که استعفا‌ی دولت خواست گروه‌ها و جریان‌های معارضی است که از اساس با جمهوریّت در عراق مشکل دارند.

به هرحال خواست مردم عراق مبنی بر بهبود وضعیت معیشت و رفع معضل بیکاری برای همه جریان‌های سیاسی مشخص شده و طبیعتاً هر گروهی که قدرت را در آینده در اختیار داشته باشد، با این مطالبه مواجه است، لذا به نظر می‌رسد بهترین گزینه در حال حاضر تعهد همه گروه‌ها و جریان‌ها به موضوع تأکید بر خواست مردم و حمایت از اقدامات دولت در راستای ایفای آنهاست.

اروپایی و آمریکایی آنها را هدایت می‌کنند و پول‌شان را از سعودی‌ها می‌گیرند. افرادی که در اکثر اوقات از سوی قاطبه معترضان مردمی پس زده می‌شوند ولی گاه هم حيله‌شان کار گر می‌افتد! حاکمان سعودی گمان می‌کنند با آتش‌افروزی در منطقه به هژمونی خاورمیانه و جهان اسلام خواهند رسید در حالی که ایجاد اختلال در آنسوی مرزهای‌شان پرورش مار در آستین است. که فرداروزی نیشش دامان دایه خود را می‌گزد، هم‌سرنوشتی با مردم خاورمیانه گره خورده است، بویژه درباره بحران‌ها. ممکن است آتش بحران و آشوب در یک نقطه جرقه بزند اما شعله‌های آن تمام مرزها را می‌درد. حیات بیگانگان در خاورمیانه با عدم توقف رشد غده ناامنی در آن دوام می‌آورد که قسمتی از مسؤولیت تحقق این امر را به مزدوران منطقه‌ای خود واگذار کرده‌اند. حکومت آل سعود سال‌هاست با دست گذاشتن بر گسل‌های تجزیه‌طلبی در عراق و سوءاستفاده از تساهل سیاسی و اجتماعی در لبنان به دنبال دستیابی به دست برتری نسبت به ایرانی است که حضورش در منطقه نه برای اجرای اوامر آمریکا و ایفای نقش گاو شیرده، بلکه تأکید بر قطع شریان‌های بحران امنیت است که زندگی را از مردم غرب آسیا غارت کرده و غرب‌گرایان منطقه‌ای آگاهانه یا از سر غفلت دستان انتقال چنین غنیمتی شده‌اند و شریک جرم جنایاتی که خاورمیانه در دل خود شاهدش بوده است.

یادداشت امروز

درباره اختلاف درآمد سرانه

| محمد شهاب |

درباره اختلاف سطح تولید ایران و کشوری مانند آلمان که تقریباً هم‌جمعیت با ایران است، چه می‌توان گفت؟

اقتصادی را تصور کنید که بازدهی زمین وارز و طلا و از این دست فعالیت‌ها در آن بالا باشد، این اقتصاد منجر به فعالیت‌های اقتصادی‌ای می‌شود که توأم با خود بخشی از افراد جامعه را در عرصه حضور در اقتصاد حذف می‌کند، چرا که قدرت خرید آنها کاهش می‌یابد و توان نقش‌آفرینی در تولید و تقاضا پیدا نمی‌کنند. اقتصادی را تصور کنید که دولت آن کشور صاحب شرکت‌های بزرگ هلدینگ باشد، قاعدتاً این حضور ذاتاً نمی‌تواند نفی حمایت واقعی دولت از بخش خصوصی واقعی باشد ولی اگر منجر به نفی حمایت واقعی از بخش خصوصی واقعی شود، ذات عدم حمایت منجر می‌شود که ارتقای درآمد سرانه ایجاد نشود؛ تولیدکنندگان انحصاری می‌شوند، همان‌طور که واردکنندگان انحصاری می‌شوند. عارضه خطرناک یک اقتصاد بازدهی بالایی زمین و مسکن و طلا و ارز نیست. عارضه خطرناک یک اقتصاد تصدی‌گری دولت در اقتصاد نیست (تصدی‌گری به معنای بنگاهداری است). عارضه بنگاهداری و افزایش بازدهی زمین و ... شده است. این عدم حمایت واقعی است که عارضه خطرناک یک اقتصاد است. اینکه حمایت از تولید از زاویه افزایش هزینه‌های تولید به اسم درآمدزایی دیده شود، اینک‌ه حمایت واگذار به بازار پول که برآمده از بنگاهداری اقتصادی طبیعی بازار است، شود. اینها عارضه خطرناک یک اقتصاد است. اینکه بنگاهداری دولت معلول علتی باشد که آن علت، حمایت واقعی به صورت گسترده از بخش خصوصی واقعی به صورتی که سطح قیمت‌ها و هزینه نهایی تولید کاهش یابد را انجام ندهد، این عارضه خطرناک یک اقتصاد است.

درآمد سرانه ایران در حالی نزدیک به ۶ هزار دلار است که درآمد سرانه کشوری مانند آلمان نزدیک به ۴۵ هزار دلار است. کشورهای صنعتی OECD نیز صاحب همین میزان از درآمد سرانه هستند. تفاوت سیاست‌گذاری‌های داخلی باعث اخلاف درآمد سرانه می‌شود. اگر بنگاهداری دولت منجر به نفی حمایت واقعی به صورت گسترده از بخش خصوصی واقعی نشود درآمد سرانه ارتقا می‌یابد، در عین آنکه سطح قیمت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال سطح قیمت در کشورهای صنعتی در ۳ دهه اخیر کمتر از ۶۰ درصد افزایش داشته است.

ادامه در صفحه ۶

www.vatanemrooz.ir